

## **The Investigation of the Relationship between Corporate Governance and Corporate Tax Planning**

**Mohammad Ali Aghaei<sup>1</sup>**

**Ali Asghar Anvari Rostami<sup>2</sup>**

**Mohammad Ali Sari<sup>3</sup>**

**Yunes Salmani<sup>4</sup>**

### **Abstract**

The purpose of this study was to investigate the role of corporate governance in corporate tax planning. The features of the used corporate governance include the size of board of directors, the size of off duty board, the stability of the position of CEO and financial specialty of the board. Tax planning is measured by GAAP and cash ETR (Effective Tax Rate). In order to test the research hypotheses, financial information of 54 firms from 2009 to 2013 was used and multiple regression analysis was employed as the statistics method. The results show that corporate planning mostly exists in the firms with fewer board members. In addition, the more off duty board members in a firm and the more stable the position of the CEO, the more corporate tax planning. The findings of the research do not show a clear effect of the financial specialty of the board on tax planning. The findings, however, indicate that the firms with higher ROA have more tax planning but financial leverage has no effect on tax planning. The effect of firm size on tax planning is not clear either.

**Keywords:** Corporate governance, Tax planning, Board of directors, Effective Tax Rate (ETR)

**JEL:** M41 · G30 · H26 · H36

---

1- Assistant Professor of Accounting, Tarbiat Modares University email: aghaeim@modares.ac.ir

2- Professor of Accounting, Tarbiat Modares University email: anvary@modares.ac.ir

3- Ph.D. student in Accounting, Tarbiat Modares University email: mohammadali.sari@modares.ac.ir  
(Corresponding Author)

4- Ph.D. student in Economics, Tarbiat Modares University email: unes.salmani@modares.ac.ir

## بررسی رابطه ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیات شرکتی

محمدعلی آقایی<sup>۱</sup>، علی اصغر انواری رستمی<sup>۲</sup>، محمدعلی ساری<sup>۳</sup> و یونس سلمانی<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش حاکمیت شرکتی در طرح‌ریزی مالیات شرکت‌هاست. خصوصیات حاکمیت شرکتی به کار رفته شامل تعداد اعضای هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره، ثبات جایگاه مدیرعامل و تخصص مالی اعضای هیات مدیره می‌باشد. همچنین، نرخ موثر مالیات تعهدی و نقدی نیز به عنوان معیارهای سنجش طرح‌ریزی مالیات استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، اطلاعات ۵۴ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ و روش آماری رگرسیون چندمتغیره به کار رفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طرح‌ریزی مالیات، بیشتر در شرکت‌های با تعداد اعضای هیات مدیره کمتر وجود دارد. افزون بر این، هرچه تعداد اعضای غیرموظف در هیات مدیره شرکت بیشتر و مدیرعامل، به دلیل عضویت در هیات مدیره از ثبات جایگاه برخوردار باشد، طرح‌ریزی مالیات افزون‌تر خواهد بود. درخصوص تاثیر تخصص مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات نیز یافته‌های پژوهش شفاف نیست. نتایج حاصل از بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات نشان می‌دهد که شرکت‌های با بازدهی بالاتر، طرح‌ریزی مالیات بیشتری داشته اما اهرم مالی تاثیر بر طرح‌ریزی مالیات ندارد. همچنین تاثیر اندازه شرکت بر طرح‌ریزی مالیات نیز شفاف نیست.

**واژه‌های کلیدی:** حاکمیت شرکتی، طرح‌ریزی مالیات، هیات مدیره، نرخ موثر مالیات

طبقه‌بندی موضوعی: H36, H26, G30, M41

۱. استادیار گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران [aghaeim@modares.ac.ir](mailto:aghaeim@modares.ac.ir)

۲. استاد گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران [anvary@modares.ac.ir](mailto:anvary@modares.ac.ir)

۳. دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران (نویسنده مسئول) [mohammadali.sari@modares.ac.ir](mailto:mohammadali.sari@modares.ac.ir)

۴. دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران [unes.salmani@modares.ac.ir](mailto:unes.salmani@modares.ac.ir)

## مقدمه

این پژوهش، چگونگی تاثیر حاکمیت شرکتی بر طرح ریزی مالیات را بررسی می نماید. بررسی رابطه حاکمیت شرکتی و طرح ریزی مالیات (برخلاف جنبه های دیگر تصمیمات عملیاتی شرکت) از جهات زیر دارای اهمیت است:

نخست اینکه طرح ریزی مالیاتی می تواند پیچیده و مبهم باشد و می تواند به راحتی اجازه فرصت طلبی را در اختیار مدیران قرار دهد. دوم اینکه طرح ریزی مالیاتی با عدم اطمینان های قابل ملاحظه ای ملازم بوده و ممکن است بی درنگ بر عملکرد شرکت تاثیر نگذارد؛ بلکه عملکرد بلندمدت شرکت را بهبود بخشد.

مدیران و هیات مدیره، نقش بی بدیلی در انتخاب یک استراتژی مدیریت مالیات دارند. آنها مسئول تخصیص منابع، عملکرد و افزایش ثروت سهامداران هستند. برای این منظور گزینه های محدودی وجود دارد. یکی از زمینه های مورد توجه عمده مدیران، بهبود بالاترین قسمت سود و زیان (درآمد فروش) از طریق رشد میزان فروش به واسطه افزایش تبلیغات یا افزایش سرمایه است که منابع را به سوی این اهداف معطوف خواهد کرد. از سوی دیگر آنها می توانند روی آخرین خط سود و زیان (سودخالص) متمرکز شوند. طرح ریزی مالیات موثر نقش مهمی در محاسبه سود خالص دارد. زمانی که هیات مدیره منابع را در فعالیت های با بیشترین ارزش افزوده مثل طرح ریزی مالیاتی، سرمایه گذاری کند، نتیجه مالیات کمتر و بهبود سود خالص خواهد بود.

بسیاری از شرکت های آمریکایی در اجتناب مالیاتی ماهر شده اند. شرکت هایی مثل جنرال الکتریک<sup>۱</sup> و ماریوت<sup>۲</sup> به خاطر نرخ موثر مالیاتی کم و ثابت خود شناخته شده هستند. به عنوان مثال ماریوت در سال ۲۰۰۲، نرخ موثر مالیاتی خود را ۶۸٪ گزارش نموده است، درحالی که اگر مالیات آنها براساس نرخ قانونی ۳۵٪ محاسبه می شد، مبلغ مالیات آنها در صورت های مالی به جای ۳۲ میلیون دلار، ۱۶۴۹ دلار گزارش می شد. نرخ موثر مالیاتی این شرکت در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ نیز به ترتیب ۸۸٪ و ۱۵۲۹٪ گزارش شده است (مینیک و نوگا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰). اگر چه این مورد تنها یک نمونه از افراطی ترین حالت کمیته سازی نرخ موثر مالیاتی است، اما این پرسش را در ذهن ایجاد می کند که چگونه شرکت ها چنین طرح ریزی مالیاتی را انجام داده اند؟ مطالعه استراتژی های متنوع مدیریت

- 
1. General Electric
  2. Marriot
  3. Minnick and Noga

مالیات، کمک شایانی به پاسخ این پرسش می‌کند. هرچند ممکن است این استراتژی‌ها در کاهش مالیات نقش خیلی موثری نداشته باشد و شرکت‌های با ساختار حاکمیتی مختلف، ممکن است الگوهای متفاوتی از طرح‌ریزی مالیات را دنبال کنند. در این پژوهش با استفاده از اطلاعات ۵۴ شرکت طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱، تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات بررسی شده است. برای این منظور، بر چهار حوزه حاکمیت شرکتی شامل اندازه هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره، ثبات جایگاه مدیرعامل و تخصص مالی اعضای هیات مدیره تاکید شده است. همچنین برای سنجش طرح‌ریزی مالیات، شاخص نرخ موثر مالیات تعهدی و مالیات نقدی پرداختی به کار گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش از طریق ایجاد یک رابطه میان ساختار حاکمیتی شرکت‌ها و طرح‌ریزی مالیات در راستای کمیته‌سازی هزینه مالیات، شواهد جدیدی درخصوص اثرگذاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد فراهم می‌نماید.

در بخش بعدی پژوهش، مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه خواهد شد. سپس فرضیه‌های پژوهش ارائه و در ادامه نیز روش شناسی پژوهش معرفی می‌شود. در بخش پایانی نیز با تجزیه و تحلیل یافته‌های آزمون‌های آماری، نتیجه‌گیری و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بعدی داده می‌شود.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

اگرچه اشتراک کمی میان مطالعات طرح‌ریزی مالیات و مطالعات مربوط به حاکمیت شرکتی وجود دارد، یافته‌های این پژوهش‌ها، ارتباط طبیعی میان این دو موضوع را بر می‌انگیزد. از این رو مرور مطالعات هر دو حوزه، شالوده مناسبی را برای پژوهش جاری درباره اثر متقابل حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیات فراهم می‌نماید.

#### ۱. طرح‌ریزی مالیات

برخی مطالعات اشاره کرده‌اند که طرح‌ریزی مالیاتی یک فعالیت با ارزش بالاست و سهامداران نیز این اعتقاد را دارند (گراهام و توکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). افزون بر این، دسای و دارماپالا<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) یافتند که اجتناب مالیاتی برای سهامداران با ارزش پنداشته می‌شود. بنابراین اگر طرح‌ریزی

---

1. Graham and Tucker  
2. Desai and Dharmapala

مالیات یک فعالیت با ارزش پنداشته شود، تمایل شرکت‌ها به آن افزونتر خواهد گشت. اگرچه مدیریت مالیات می‌تواند سود (یعنی آخرین خط صورت سودوزیان) را بهبود بخشد، مهم است که هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری منابع در طرح‌ریزی مالیات را بشناسیم. سرمایه‌ای که به منظور مدیریت مالیات استفاده می‌شود، می‌تواند به سرمایه‌گذاری‌های سودزا تخصیص یابد.

چالز<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۹) اشاره می‌کنند که علاوه بر هزینه‌های فرصت، هزینه‌های دیگر به دلیل استفاده منابع برای مدیریت مالیات وجود دارند که شامل هزینه‌های معاملات و ریسک می‌باشند. به هرحال شرکت‌ها تنها وقتی در طرح‌ریزی مالیات درگیر می‌شوند که سود خالص داشته باشند یا به عبارت دیگر، صرفه جویی مالیاتی ایجاد شده به واسطه این طرح‌ریزی مالیاتی از هزینه‌های تخصیص یافته به اجرای این طرح‌ها افزوده شود. اگر چه شرکت‌ها می‌توانند زمینه‌های مختلفی را برای بهبود عملکرد خود انتخاب کنند، اما جالب است بدانیم که شرکت‌ها زمینه بهبود عملکرد را براساس پیچیدگی و تعهدات مدیریت در بلندمدت انتخاب می‌کنند (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). پژوهش‌های متعددی درخصوص رابطه علت و معلولی نرخ موثر مالیاتی وجود دارد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰).

دایرنج<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۸)، اجتناب مالیاتی بلندمدت شرکت‌ها را بررسی می‌کند و شرکت‌هایی را که به طور موفقیت‌آمیز مالیات خود را مدیریت کرده‌اند، برجسته می‌کند. وی نشان می‌دهد که یکی از شرکت‌ها، قادر بوده که نرخ مالیات بلندمدت خود را برخلاف نرخ میانگین ۳۰٪ در نمونه مورد بررسی، در سطح کمتر از ۲۰٪ مدیریت کند.

چندین مقاله اخیر، به رابطه میان پاداش مدیران با پست‌های مختلف مدیریتی و معیارهای مختلف اندازه‌گیری مدیریت مالیات شامل تهور مالیاتی و عدم انطباق با قوانین مالیاتی توجه نموده‌اند.

فیلیپس<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) به رابطه پاداش مدیران و هیات مدیره با طرح‌ریزی اشاره نموده و گزارش می‌کند که این رابطه درخصوص پاداش مدیران و نه هیات مدیره با نرخ موثر مالیاتی دیده شده است. اریکسون<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۶)، یک رابطه مستقیم میان انگیزش‌های مبتنی بر سرمایه و عدم انطباق با قوانین مالیاتی دیده‌اند.

دسای و دارمپلا (۲۰۰۶) نیز یافتند که انگیزش بیشتر از طریق پاداش منتهی به اجتناب مالیاتی کمتر می‌شود. به نظر آنها کیفیت حاکمیت شرکتی می‌تواند در این رابطه نقش داشته باشد.

- 
1. Scholes
  2. Dyreng
  3. Phillips
  4. Erickson

رگو و ویلسن<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) یافتند که شرکت‌های با مدیران دارای انگیزه‌های ریسک‌پذیری بالا بیشتر با اجتناب مالیاتی سر و کار دارند. اگرچه آن‌ها در یافتن هرگونه مدرکی مبتنی بر تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی (به غیر از انگیزه‌های مدیران) بر این رابطه ناکام ماندند. در یک مقاله جدیدتر، رابینسن<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۲) رابطه میان اجتناب مالیاتی و تخصص مالی کمیته حسابرسی را بررسی کرده‌اند. آن‌ها گزارش کرده‌اند که تخصص مالی کمیته‌های حسابرسی به طور عمده در جهت مستقیم با طرح‌ریزی مالیاتی مرتبط است. اما پژوهش‌های یاد شده به طور مستقیم، تاثیر سازوکارهای مختلف حاکمیت شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات را بررسی ننموده‌اند.

## ۲. حاکمیت شرکتی

اصول حاکمیت شرکتی، مجموعه قوانین و رویه‌های حاکم بر روابط مدیران، سهامداران و حساب‌رسان شرکت است که با اعمال سیستم نظارتی، از حقوق سهامداران حمایت می‌کند (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲). اصول حاکمیت شرکتی در پی اطمینان دادن به سهامداران در دستیابی به بازده مناسب سرمایه‌گذاری است. از این رو، سازوکارهای حاکمیت شرکتی برای کاهش مشکلات نمایندگی میان مدیران و سهامداران، پیشنهاد شده است. در این پژوهش، چهار سازوکار حاکمیت شرکتی بررسی شده است. این سازوکارها شامل ترکیب هیات مدیره و ثبات جایگاه مدیرعامل می‌باشد. ترکیب هیات مدیره شامل اندازه هیات مدیره، تعداد مدیران مستقل غیرموظف و تخصص مالی اعضای هیات مدیره است. ثبات جایگاه مدیرعامل به نقش دوگانه مدیرعامل (به عنوان مدیرعامل و عضو هیات مدیره) و نیز شرط دشواری اخراج مدیرعامل اشاره دارد.

### ۲-۱. تعداد اعضای هیات مدیره

هیات مدیره یک سازوکار نظارتی داخلی برای پاسداری از منافع سهامداران را فراهم می‌نماید. جونسان<sup>۳</sup> و همکاران (۱۹۹۶)، کارکرد هیات مدیره را چنین ذکر کرده‌اند: «خدمت‌رسانی و تخصیص منابع به فعالیت‌های مستقل از هم». از دیدگاه تئوری نمایندگی، هیات مدیره سازوکار داخلی اولیه را به منظور کنترل رفتار فرصت‌طلبانه مدیران نشان می‌دهد که به هم تراز کردن منافع

---

1. Rego and Wilson  
2. Robinson  
3. Johnson

سهامداران و مدیران کمک می‌کند (جنسن<sup>۱</sup>، ۱۹۹۳). تعداد و ترکیب هیات مدیره، کارآمدی این سازوکار نظارتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ هرچند نظریه های ناسازگاری در مورد نحوه تاثیر ترکیب هیات مدیره بر سازوکارهای نظارتی و در نتیجه عملکرد وجود دارد. غالب این نظریه ها بیانگر آن است که شرکت‌های دارای هیات مدیره بزرگتر، مشکلات نمایندگی بیشتری دارند و شرکت‌های با هیات مدیره‌های کوچکتر با رفاه سهامداران و عملکرد موسسه تجاری ارتباط بیشتری دارند. از آنجایی که هیات مدیره کوچکتر در تخصیص و تسهیم دارایی‌ها برای مدیریت مالیات راحت‌تر می‌تواند مدیریت را متقاعد کند، بنابراین اندازه هیات مدیره، یکی از عوامل اثرگذار بر طرح‌ریزی مالیات به حساب می‌آید.

#### ۲-۲. تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره

هرچه ترکیب هیات مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می‌شود (هرمالین و ویسبچ<sup>۲</sup>، ۱۹۹۱). مدیران غیرموظف، برخلاف مدیران موظف، از مدیریت شرکت مستقل بوده و به همین دلیل انتظار می‌رود که در ایفای نقش نظارتی خود موثرتر عمل نمایند. از این رو، از دیدگاه نظری، هنگامی که نسبت بالایی از اعضای هیات مدیره را مدیران غیرموظف تشکیل داده باشند، انتظار ارتقای عملکرد شرکت می‌رود (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹). افزون بر این، هیات مدیره‌های مستقل‌تر در یک موقعیت بهتر برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات هستند. زیرا آنها به واسطه استقلالشان یک بینش وسیع‌تر از شرکت و عملکرد کلی آن دارند.

#### ۲-۳. ثبات جایگاه مدیر عامل

جایگاه مدیرعامل هنگامی ثبات می‌یابد که به عنوان عضو هیات مدیره هم انتخاب شود. این امر می‌تواند سبب ایجاد تضاد منافع و از دست رفتن استقلال شود. با حضور مدیرعامل در ترکیب هیات مدیره، تهدید کمتری برای از دست دادن کار او هست و این دوگانگی وظایف باعث می‌شود که مدیر انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته باشد (مینیک و نوگا، ۲۰۱۰). در نتیجه، این سازوکار بر طرح‌ریزی مالیات شرکت اثرگذار می‌باشد.

1. Jensen  
2. Hermalin and Weisbach

#### ۲-۴. تخصص مالی اعضای هیات مدیره

بر اساس آخرین پیش‌نویس دستورالعمل راهبری شرکتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران<sup>۱</sup>، در ترکیب هیات مدیره، باید دست کم یک عضو مستقل یا غیرموظف مالی حضور داشته باشد که دارای تحصیلات حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد و سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصاد باشد. دانش مالی هیات مدیره، برای نظارت و مشارکت به منظور تصمیم‌گیری در راستای افزایش ارزش شرکت نقش مهمی ایفا می‌کند. فرض زیربنایی این موضوع آن است که اعضای بدون تجربه در دانش حسابداری یا مالی، توانایی کمتری در کشف مشکلات گزارشگری مالی دارند. همچنین وجود یک عنصر مالی با تجربه می‌تواند باعث هوشیاری و حساس بودن دیگر اعضا شود (نیکبخت و همکاران، ۱۳۸۹).

#### ۲-۵. حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیات

پژوهش‌های معدودی به طور مستقیم رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار داده‌اند. مینیک و نوگا (۲۰۱۰) بررسی کرده‌اند که آیا معیارهای مختلف حاکمیت شرکتی، با معیارهای مختلف اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مرتبط است؟ آنها نشانه‌های اندکی را در خصوص ارتباط حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی یافتند. یافته‌های آنها همچنین نشان داد که اجتناب مالیاتی سهامداران را منتفع می‌سازد و این مهم به طور مثبت با افزایش عایدی سهامداران در ارتباط است. یافته‌های لانیس و ریچاردسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره رابطه‌ای منفی و معنادار با سیاست‌های جسورانه مالیاتی دارد و هرچه تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد. سارتوری<sup>۳</sup> (۲۰۰۸)، به این نتیجه رسید که واکنش‌های میان حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل می‌باشد. عبارت دیگر، هم حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و هم طرح‌های مالیاتی دولت‌ها و ارتباط دادن آنها به استراتژی‌های مالیاتی شرکت‌ها می‌تواند تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

۱. ویرایش چهارم طبق متن منتشره در ماهنامه بورس (۱۳۹۳)، شماره ۱۱۱، صص ۱۶-۱۹.

۲. Lanis and Richardson

۳. Sartori



پژوهشگران داخلی نیز کمتر به موضوع طرح‌ریزی و مدیریت مالیات و تبیین انگیزه‌های موثر بر آن پرداخته‌اند. در ادامه به معرفی برخی پژوهش‌های داخلی مرتبط با این موضوع می‌پردازیم. قایمی و شهریاری (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی اصول راهبری و عملکرد شرکت‌ها پرداخته‌اند. هدف از این مقاله، تعیین رابطه میان اجزای ساختار اصول راهبری شرکت‌ها شامل ترکیب هیات مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات با عملکرد شرکت‌ها بود. یافته‌های آنان نشان داد که میان افشای اطلاعات و عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) رابطه اصول راهبری شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها را ارزیابی نموده‌اند. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه میان برخی از سازوکارهای مهم راهبری شرکتی شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره، دوگانگی وظایف مدیر عامل و تعداد سهامداران نهادی با درصد اختلاف میان سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. یافته‌های آنان بیانگر عدم تفاوت معنادار میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی میان شرکت‌های دارای سازوکارهای راهبری شرکتی و شرکت‌های فاقد این سازوکارها می‌باشد. این در حالی است که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف میان سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲)، تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر مدیریت مالیات را بررسی نموده‌اند. در پژوهش یاد شده که نرخ موثر مالیاتی بعنوان شاخص مدیریت مالیات بکار رفته، یافته‌ها حاکی از تاثیر برخی ویژگی‌های شرکت از قبیل اندازه شرکت، نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و دارایی ثابت بر مدیریت مالیات می‌باشد. آنان همچنین متذکر شده‌اند که مدیریت مالیات در صنایع مختلف متفاوت بوده و مالکیت نهادی نیز بعنوان ابزار محدود کننده مدیریت مالیات عمل می‌نماید.

### فرضیه‌های پژوهش

مولفه‌های مختلف حاکمیت شرکتی (اندازه هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره، ثبات جایگاه مدیرعامل و تخصص مالی هیات مدیره) از طریق تاثیر بر شیوه تخصیص منابع، روی عملکرد موثر شناخته شده‌اند. چندین مطالعه یاد شده در بالا بطور ضمنی به نقش حاکمیت شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات اشاره نموده است. هیات مدیره‌های کوچکتر، ممکن است راحت‌تر بتوانند مدیریت را متقاعد به اداره مالیات نمایند. اعضای غیرموظف در موقعیت بهتری

هستند که منابع را به سمت مدیریت مالیات معطوف سازند؛ به ویژه آنکه غیرموظف بودن آن‌ها چشم‌انداز وسیع‌تری از شرکت و عملکرد کلی آن را به جای تمرکز بر رشد عملکرد در محدوده صنعت به آن‌ها نشان می‌دهد. زمانی که مدیر از ثبات جایگاه برخوردار باشد، تهدید کمی برای عزل وی وجود دارد و بنابراین انگیزه کمتری برای طرح‌ریزی مالیات در راستای بهبود عملکرد شرکت می‌یابد. همچنین تخصص مالی هیات مدیره، آن‌ها را در بکارگیری طرح‌ریزی مالیات توانمندتر می‌سازد. از این رو فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

$H_1$ : تعداد اعضای هیات مدیره تاثیر منفی بر طرح‌ریزی مالیات دارد.

$H_2$ : تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره تاثیر مثبت بر طرح‌ریزی مالیات دارد.

$H_3$ : ثبات جایگاه مدیرعامل تاثیر مثبت بر طرح‌ریزی مالیات دارد.

$H_4$ : تخصص مالی اعضای هیات مدیره تاثیر مثبت بر طرح‌ریزی مالیات دارد.

### روش شناسی پژوهش

در این پژوهش، متغیرهای حاکمیت شرکتی شامل اندازه هیات مدیره، تعداد اعضاء غیرموظف هیات مدیره، ثبات جایگاه مدیرعامل و تخصص مالی اعضای هیات مدیره به عنوان متغیرهای مستقل فرض شده‌اند. متغیر وابسته پژوهش نیز طرح‌ریزی مالیات می‌باشد. همچنین، برخی ویژگی‌های خاص شرکت‌ها شامل اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند. در ادامه شیوه اندازه‌گیری هر یک از متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی معرفی می‌شود.

برای اندازه‌گیری طرح‌ریزی مالیات، از نرخ موثر مالیات تعهدی به شرح معادله (۱) و نرخ مالیات نقدی پرداختی به پیروی از دیرنج و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) به شرح معادله (۲) استفاده شده است. معادله نخست، اثرات کوتاه مدت و معادله دوم اثرات بلندمدت طرح‌ریزی مالیاتی را اندازه‌گیری می‌کند. از آنجاییکه نرخ موثر مالیات تعهدی مبتنی بر اطلاعات سالانه است، تغییرات سال به سال قابل ملاحظه‌ای ممکن است در این نرخ بوجود آید. از این رو برای مقابله با این محدودیت، نرخ مالیات نقدی پرداختی نیز استفاده شده که از تقسیم مجموع تمام مالیات‌های پرداخت شده بر جمع سود قبل مالیات بدست می‌آید. این نسبت هم شامل مالیات جاری و هم مالیات معوق بوده و تغییر در برآوردهایی همچون ذخایر نیز بر آن تاثیر نخواهد گذاشت.

$$GAAPETR_{i,t} = TaxEx_{i,t} \div PTIncom_{i,t} \quad (۱)$$

$$CashETR_{i,t} = TaxPaid_{i,t} \div PTIncom_{i,t} \quad (۲)$$

که در آن ها

$GAAPETR_{i,t}$ : نرخ موثر مالیات تعهدی

$TaxEx_{i,t}$ : هزینه مالیات

$PTIncom_{i,t}$ : سود قبل مالیات

$CashETR_{i,t}$ : نرخ مالیات نقدی پرداختی

$TaxPaid_{i,t}$ : مالیات بر درآمد پرداختی

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، با الگو گرفتن از پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰)، مدل

پژوهش بصورت زیر نشان داده می‌شود:

$$ETR_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 BoardSize_{i,t} + \alpha_2 INDEP_{i,t} + \alpha_3 Entrenchment_{i,t} + \alpha_4 FSpeciality_{i,t} + \alpha_{5-8} ControlVariable_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

که در آن

$ETR_{i,t}$ : شاخص طرح ریزی مالیات به شرح معادله های (۱) و (۲)

$Boardsize_{i,t}$ : تعداد اعضای هیات مدیره.

$INDEP_{i,t}$ : تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره.

$Entrenchment_{i,t}$ : چنانچه مدیرعامل، عضو هیات مدیره باشد، ۱ و در غیر اینصورت، ۰.

$FSpeciality_{i,t}$ : تعداد اعضای هیات مدیره با تخصص مالی (حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد).

$ControlVariable_{i,t}$ : متغیرهای کنترلی شامل:

$Size$ : لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها.

$Leverage$ : تقسیم جمع بدهی‌ها بر دارایی‌ها.

$ROA$ : نرخ بازه محاسبه شده از طریق تقسیم سود عملیاتی بر جمع دارایی‌ها.

جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش از نمونه‌گیری آماری استفاده نشده است و کلیه شرکت‌های جامعه آماری هدف دارای شرایط زیر، جزء جامعه آماری در دسترس لحاظ شده‌اند:

- ۱- شرکت‌ها قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته شده باشند و تا سال ۱۳۹۱ نیز از فهرست شرکت‌های پذیرفته شده در بورس خارج نشده باشند.
  - ۲- به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
  - ۳- طی دوره نمونه، تغییر سال مالی نداده باشند.
  - ۴- دست کم برای یک دوره پنج ساله، اطلاعات مورد نیاز آنها برای اندازه‌گیری متغیرهای بکار رفته در مدل‌های داده شده به صورت عمومی منتشر شده باشد.
  - ۵- جزء بانک‌ها و موسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گران مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ‌ها) نباشند، زیرا ممکن است به دلیل الزامات خاص قانونی این صنایع، قابلیت تعمیم یافته‌های بررسی نمونه‌ای آنها به سایر شرکت‌ها با تردید همراه باشد.
- با اعمال شرایط یاد شده، تعداد ۵۴ شرکت به‌عنوان جامعه در دسترس انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. قلمرو زمانی پژوهش، میان سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ می‌باشد که داده‌های جمعیت‌شناختی مشاهدات مورد بررسی در ادامه ذکر می‌شود.

### مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

جدول ۱، داده‌های جمعیت‌شناسی نتایج پژوهش را توصیف می‌کند. تحلیل توصیفی داده‌ها نشان می‌دهد که میانگین نرخ موثر مالیاتی شرکت‌های مورد مطالعه با استفاده از روش اندازه‌گیری تعهدی و نقدی به ترتیب ۳۴٪ و ۱۶٪ می‌باشد. این اختلاف به دلیل محاسبه مالیات مقطوع براساس دریافت‌های نقدی و مقارنه بهتر اطلاعات نقدی در خصوص مالیات بوده که در پژوهش‌های پیشین از جمله ساعی و ساری (۱۳۹۲) نیز یادآوری شده است. همچنین وجود معافیت‌های مالیاتی باعث شده است که میانگین نرخ موثر مالیات نقدی کمتر از نرخ رسمی مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یعنی ۲۲/۵ درصد شود. نرخ موثر مالیاتی بالاتر از ۲۲/۵ درصد نیز به واسطه پرداخت مالیات مقطوع غیرعملیاتی در شرکت‌های با سوددهی پایین و یا زیان‌ده می‌باشد.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	علامت	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
نرخ موثر مالیاتی تعهدی	GAAPETR	۰/۳۴	۰/۱۷	۰/۰۰	۷/۹۵	۱/۱۴
نرخ موثر مالیاتی نقدی	CashETR	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۰۰	۰/۷۵	۰/۱۱
اندازه هیات مدیره	BoardSize	۵/۰۲	۵/۰۰	۵/۰۰	۷/۰۰	۰/۲۱
درصد اعضای غیرموظف	INDEP	۳/۶۵	۴/۰۰	۱/۰۰	۵/۰۰	۰/۸۱
ثبات جایگاه مدیرعامل	Entrenchment	۰/۸۹	۱/۰۰	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۲
تخصص مالی هیات مدیره	FSpeciality	۰/۵۱	۰/۰۰	۰/۰۰	۲/۰۰	۰/۶۶
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۴۱	۱۳/۲۸	۱۰/۴۶	۱۸/۵۵	۱/۲۸
اهرم مالی شرکت	Leverage	۰/۵۹	۰/۵۹	۰/۱۹	۰/۹۳	۰/۱۶
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۲۴	۰/۲۱	-۰/۰۸	۰/۷۹	۰/۱۵

میانگین تعداد اعضای هیات مدیره در شرکت‌های مورد مطالعه ۵ نفر و میانگین اعضای غیرموظف نیز ۴ نفر و حدود ۸۰٪ می‌باشد. همچنین به طور میانگین، در ۸۹٪ شرکت‌ها، مدیرعامل عضو هیات مدیره نیز بوده و سرانه برخورداری شرکت‌ها از متخصصان مالی (با دانش حسابداری، مدیریت مالی، اقتصاد) کمتر از یک نفر می‌باشد. افزون بر این، به طور میانگین ۵۹٪ دارایی‌های شرکت‌های مورد بررسی از محل بدهی‌ها تامین شده‌اند و متوسط بازده دارایی‌های این شرکت‌ها نیز ۲۴٪ می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل یافته‌ها

به منظور تعیین نوع تخمین مدل مناسب برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا با استفاده از آزمون چاو (F لیمر) لزوم به کارگیری روش داده‌های تابلویی (پانل) در خصوص رابطه متغیرهای مستقل و وابسته بکار گرفته شد. در گام بعدی با استفاده از آزمون هاسمن، روش مناسب از نظر اثرات ثابت یا اثرات تصادفی تعیین شده است.

نتایج آزمونهای مذکور به شرح جدول ۲ نشان می‌دهد که برای نرخ موثر مالیاتی تعهدی، بکارگیری روش داده‌های تابلویی (پانل) مناسب نداشته و بنابراین از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) استفاده شد. با توجه به معنی‌داری آزمون چاو و براساس آماره آزمون هاسمن، روش داده‌های تابلویی (پانل) با اثرات تصادفی در خصوص مدل نرخ موثر مالیاتی نقدی نسبت به اثرات ثابت کارا تر تشخیص داده شد.

جدول ۲: آزمون چاو و هاسمن برای تخمین نوع داده‌ها

شرح آزمون	مدل نرخ موثر مالیات تعهدی				مدل نرخ موثر مالیات نقدی			
	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معناداری	نتیجه
آزمون چاو	۱/۱۲	(۵۳.۲۰۹)	۰/۲۸	تایید همگنی مقاطع	۲/۰۶	(۵۳.۲۰۹)	۰/۰۰	عدم تایید همگنی مقاطع
آزمون هاسمن	با توجه به تایید همگنی مقاطع ضرورتی ندارد.				۱۱/۶۶	۷/۰۰	۰/۱۱	کارایی روش اثرات تصادفی

نتایج برازش مدل نرخ موثر مالیات تعهدی در جدول ۳ خلاصه شده است. براساس داده‌های این جدول، آماره فیشر (F) رگرسیون برآورد شده در سطح اطمینان بیشتر از ۹۹٪ معنادار است. همچنین آماره دورین-واتسون<sup>۱</sup> و آزمون برش-گادفری<sup>۲</sup> نیز حاکی از عدم وجود خود همبستگی میان اجزای خطای مدل برازش شده می‌باشد. با توجه به داده‌های جدول ۳، آزمون برش-پاگان<sup>۳</sup>، همسانی واریانس و آزمون جارکیو-برا<sup>۴</sup> توزیع نرمال پسماند مدل برآورد شده را تایید می‌کند.

1. Durbin-Watson
2. Breusch-Godfrey
3. Breusch-Pagan
4. Jarque-Bera

جدول ۳: نتایج آزمون مدل نرخ موثر مالیات تعهدی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	انحراف معیار	سطح معناداری
مقدار ثابت	$\alpha_0$	۰/۳۶۴	۳/۲۸۰	۰/۱۱۱	۰/۰۰۱
اندازه هیات مدیره	$BoardSize_{i,t}$	-۰/۰۱۸	-۱/۷۱۰	۰/۰۱۰	۰/۰۸۸
تعداد اعضای غیرموظف	$INDEP_{i,t}$	۰/۰۱۳	۲/۸۴۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۴
ثبات جایگاه مدیرعامل	$Entrenchment_{i,t}$	۰/۰۲۳	۱/۶۲۲	۰/۰۱۴	۰/۰۹۹
تخصص مالی هیات مدیره	$FSpeciality_{i,t}$	-۰/۰۲۸	-۲/۸۴۶	۰/۰۰۹	۰/۰۰۵
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۱۵	-۲/۹۲۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۴
اهرم مالی شرکت	$Leverage_{i,t}$	-۰/۰۴۶	-۱/۱۴۲	۰/۰۴۰	۰/۲۵۵
بازده دارایی‌های شرکت	$ROA_{i,t}$	-۰/۰۹۹	-۲/۳۶۲	۰/۰۴۲	۰/۰۱۹
ضریب تعیین	۰/۱۱۰	آماره فیشر (F)			۴/۶۴۴
آماره دوربین - واتسون	۱/۵۰۱	سطح معناداری کل مدل			۰/۰۰۰
آزمون عدم خودهمبستگی برش - گادفری		$\text{prob}(F=۰/۶۹۳)=۰/۶۷۸$			
آزمون همسانی واریانس برش - پاکان		$\text{prob}(F=۰/۲۷۷)=۰/۹۶۲$			
آزمون نرمالیتی جارجیو - برا		$\text{prob}(F=۰/۴۹۲)=۰/۷۸۲$			

نتایج برازش مدل نرخ موثر مالیات تعهدی به شرح جدول ۳ نشان می‌دهد که متغیرهای تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و ثبات جایگاه مدیرعامل با نرخ موثر مالیات تعهدی رابطه مثبت معناداری به ترتیب در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ و ۹۰٪ دارند. همچنین متغیرهای تخصص مالی هیات مدیره و اندازه هیات مدیره با نرخ موثر مالیات تعهدی رابطه منفی معناداری به ترتیب در سطح اطمینان ۹۵٪ و بالای ۹۰٪ دارند.

نتایج بدست آمده در جدول ۳، اثر منفی اندازه هیات مدیره بر طرح‌ریزی مالیات را نشان می‌دهد. به عبارتی، طرح‌ریزی مالیات، بیشتر در شرکت‌های با تعداد اعضای هیات مدیره کمتر وجود دارد. از این رو فرضیه نخست پژوهش با احتمال بالای ۹۰٪ تایید می‌شود.

براساس نتایج بدست آمده در جدول ۳ می‌توان گفت که هرچه تعداد اعضای غیرموظف در هیات مدیره شرکت بیشتر باشد، طرح‌ریزی مالیات نیز افزون‌تر خواهد بود. براین اساس، با ضریب احتمال بالای ۹۵٪، فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

همچنین ارتباط مثبت و معنادار دوگانه بودن نقش مدیرعامل با نرخ موثر مالیات تعهدی بدین معنی است که طرح‌ریزی مالیات در شرکت‌هایی که مدیرعامل، بدلیل عضویت در هیات مدیره از ثبات جایگاه برخوردار است، بیشتر است. براساس ضرایب جدول ۳، با احتمال بالای ۹۰٪ می‌توان گفت که فرضیه سوم پژوهش نیز تایید می‌شود.

اثر تخصص مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها در طرح‌ریزی مالیات براساس ضرایب متغیرها در جدول ۳ با احتمال ۹۵٪ بصورت معکوس می‌باشد. این بدین معنی است که طرح‌ریزی مالیات در شرکت‌هایی با هیات مدیره دارای دانش مالی، کمتر است. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تایید نمی‌شود. یکی از دلایل قابل ذکر برای این رابطه را می‌توان جایگزینی طرح‌ریزی مالیات با سایر استراتژی‌های مالی افزایش سود در این گونه شرکت‌ها دانست.

نتایج حاصل از بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات نشان می‌دهد که اهرم مالی بر نرخ موثر مالیات تعهدی اثرگذار نبوده و اندازه شرکت و بازده دارایی‌ها اثر منفی بر نرخ موثر مالیات تعهدی دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ و موفق در کسب بازده مناسب، طرح‌ریزی مالیاتی را نیز مدنظر داشته و در جهت حداکثر سازی بازده در عین عدم پرداخت مالیات بیشتر گام برداشته‌اند.

نتایج برازش مدل نرخ موثر مالیات نقدی در جدول ۴ خلاصه شده است. براین اساس، آماره فیشر (F) رگرسیون برآورد شده در سطح اطمینان بیشتر از ۹۹٪ معنادار است. همچنین آماره دوربین-واتسون و آزمون برش-گادفری نیز حاکی از عدم وجود خود همبستگی بین اجزای خطای مدل برازش شده می‌باشد. آزمون‌های برش-پاگان و جارکیو-برا نیز به ترتیب همسانی واریانس و توزیع نرمال پسماند مدل برآورد شده را تایید می‌کنند.



جدول ۴: نتایج آزمون مدل نرخ موثر مالیات نقدی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب متغیر	آماره t	انحراف معیار	سطح معناداری
مقدار ثابت	$\alpha_0$	۰/۱۴۷	۰/۸۲۸	۰/۱۷۷	۰/۴۰۱
اندازه هیات مدیره	$BoardSize_{i,t}$	-۰/۰۲۲	-۱/۶۷۵	۰/۰۱۳	۰/۰۹۵
تعداد اعضای غیرموظف	$INDEP_{i,t}$	۰/۰۳۲	۴/۶۹۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰
ثبات جایگاه مدیرعامل	$Entrenchment_{i,t}$	۰/۰۷۳	۷/۰۴۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰
تخصص مالی هیات مدیره	$FSpeciality_{i,t}$	-۰/۰۰۰	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۷	۰/۹۸۳
اندازه شرکت	$Size_{i,t}$	-۰/۰۰۲	-۰/۲۸۰	۰/۰۰۸	۰/۷۸۰
اهرم مالی شرکت	$Leverage_{i,t}$	۰/۰۲۶	۰/۴۵۷	۰/۰۵۶	۰/۶۴۸
بازده دارایی های شرکت	$ROA_{i,t}$	-۰/۱۶۴	-۲/۵۸۱	۰/۰۶۳	۰/۰۱۰
ضریب تعیین	۰/۰۸۰	آماره فیشر (F)		۳/۲۵۶	
آماره دوربین واتسون	۱/۸۳۸	سطح معناداری کل مدل		۰/۰۰۲	
آزمون عدم خودهمبستگی برش-گادفری		prob(F=۰/۴۳۹)=۰/۸۷۶			
آزمون همسانی واریانس برش-پاگان		prob(F=۰/۸۴۱)=۰/۵۵۴			
آزمون نرمالیتی جارقویو-برا		prob(F=۲/۶۲۴)=۰/۲۶۹			

نتایج برازش مدل نرخ موثر مالیات نقدی نشان می دهد که متغیرهای تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره و ثبات جایگاه مدیرعامل رابطه مثبت معناداری در سطح اطمینان بالای ۹۵٪ و متغیر اندازه هیات مدیره رابطه منفی معناداری در سطح اطمینان بالای ۹۰٪ با نرخ موثر مالیات نقدی دارد. از طرفی رابطه تخصص مالی اعضای هیات مدیره با نرخ موثر مالیات نقدی معنادار نمی باشد.

نتایج بدست آمده به معنی وجود اثر معکوس اندازه هیات مدیره بر طرح‌ریزی مالیات می‌باشد. به عبارتی، طرح‌ریزی مالیات، بیشتر در شرکت‌های با هیات مدیره کوچکتر وجود دارد. از این رو فرضیه نخست پژوهش با احتمال بالای ۹۰٪ تایید می‌شود.

از طرفی یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچه تعداد اعضای غیرموظف در هیات مدیره شرکت بیشتر باشد، طرح‌ریزی مالیات نیز افزونتر خواهد بود. با توجه به این یافته، با احتمال بالای ۹۵٪ فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تایید قرار می‌گیرد.

جدول ۴، ارتباط مثبت و معنادار ثبات جایگاه مدیرعامل با نرخ موثر مالیات نقدی را نشان می‌دهد. از این رو می‌توان گفت طرح‌ریزی مالیات در شرکت‌هایی بیشتر است که مدیرعامل، همزمان عضو هیات مدیره نیز می‌باشد. براین اساس و با توجه به سطح معناداری ضریب رابطه دو متغیر، با احتمال بالای ۹۵٪ فرضیه سوم پژوهش نیز تایید می‌شود.

براساس اطلاعات جدول ۴ می‌توان گفت که تخصص مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات تاثیری ندارد. زیرا سطح خطای معناداری متغیر یاد شده بیشتر از ۱۰٪ می‌باشد. بنابراین فرضیه چهارم پژوهش تایید نمی‌شود.

نتایج حاصل از بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات نشان می‌دهد که تاثیر اندازه شرکت و اهرم مالی بر نرخ موثر مالیات نقدی معنادار نبوده و تنها بازده دارایی‌ها تاثیر منفی بر نرخ موثر مالیات نقدی دارد. این یافته‌ها نیز نشان می‌دهد که شرکت‌های موفق در کسب بازده مناسب، طرح‌ریزی مالیاتی را نیز مدنظر داشته و در جهت حداکثر سازی بازده در عین عدم پرداخت مالیات بیشتر گام برداشته اند.

### بحث و نتیجه گیری

سازوکار راهبری شرکتی نقش تعیین کننده‌ای در طرح‌ریزی مالیات شرکت‌ها در کاهش مالیات پرداختی دارد. به همین خاطر در این پژوهش رابطه ویژگی‌های راهبری شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات بررسی شده است. برای این منظور، معیارهای اندازه هیات مدیره، تعداد اعضای غیرموظف، دوگانگی نقش مدیرعامل و تخصص مالی هیات مدیره برای اندازه‌گیری اصول راهبری شرکتی بکار گرفته شده است. همچنین، نرخ موثر مالیاتی تعهدی و نقدی نیز بعنوان معیارهای سنجش طرح‌ریزی مالیات استفاده شده است.

### ۱. نتیجه آزمون فرضیه نخست

این فرضیه به بیان تاثیر منفی تعداد اعضای هیات مدیره بر طرح ریزی مالیات می پردازد. براساس یافته‌های پژوهش، با احتمال بالای ۹۰٪ می‌توان گفت که اندازه هیات مدیره با نرخ موثر مالیات تعهدی و نقدی رابطه منفی معناداری دارد. در پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) ارتباط معناداری میان تعداد اعضای هیات مدیره با نرخ موثر مالیات شرکت‌ها دیده نشد.

### ۲. نتیجه آزمون فرضیه دوم

این فرضیه، تاثیر مثبت تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره بر طرح ریزی مالیات را مد نظر دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که با احتمال بالای ۹۵٪، تعداد اعضای غیرموظف هیات مدیره با نرخ موثر مالیات تعهدی و نقدی رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته، همسو با پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) و برخلاف یافته‌های لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱) است.

### ۳. نتیجه آزمون فرضیه سوم

این فرضیه، تاثیر مثبت ثبات جایگاه مدیرعامل بر طرح ریزی مالیات را بررسی می‌نماید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ثبات جایگاه مدیرعامل با نرخ موثر مالیات تعهدی و نقدی به ترتیب با احتمال بالای ۹۰٪ و ۹۵٪ رابطه مثبت معناداری دارد. این یافته با پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) در تضاد است.

### ۴. نتیجه آزمون فرضیه چهارم

تاثیر مثبت تخصص مالی اعضای هیات مدیره بر طرح ریزی مالیات در قالب این فرضیه مطرح شده است. متغیر تخصص مالی هیات مدیره، با احتمال ۹۵٪ رابطه منفی معناداری با نرخ موثر مالیات تعهدی دارد؛ در حالی که رابطه متغیر تخصص مالی هیات مدیره با نرخ موثر مالیات نقدی معنادار نمی‌باشد. در پژوهش مینیک و نوگا (۲۰۱۰) نیز شواهدی دال بر ارتباط تخصص مالی اعضای هیات مدیره با نرخ موثر مالیاتی شرکت‌ها دیده نشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که طرح ریزی مالیات، بیشتر در شرکت‌های با تعداد اعضای هیات مدیره کمتر وجود دارد. افزون بر این، هرچه تعداد اعضای غیرموظف در هیات مدیره

شرکت بیشتر باشد، طرح‌ریزی مالیات نیز افزونتر خواهد بود. همچنین در شرکت‌هایی که مدیرعامل بدلیل عضویت در هیات مدیره از ثبات جایگاه برخوردار است، طرح‌ریزی مالیات بیشتر است.

درخصوص رابطه تخصص مالی اعضای هیات مدیره شرکت‌ها با طرح‌ریزی مالیات، یافته‌های پژوهش شفاف نیست. براساس مدل نرخ موثر مالیات تعهدی می‌توان گفت که طرح‌ریزی مالیات در شرکت‌هایی با هیات مدیره دارای دانش مالی، کمتر است. اما در مدل نرخ موثر مالیات نقدی، چنین رابطه‌ای دیده نشده است.

نتایج حاصل از بررسی تاثیر ویژگی‌های خاص شرکت‌ها بر طرح‌ریزی مالیات نشان می‌دهد که شرکت‌های موفق در کسب بازده مناسب، طرح‌ریزی مالیاتی را نیز مدنظر داشته و در جهت حداکثر سازی بازده در عین عدم پرداخت مالیات بیشتر گام برداشته اند. از طرفی، اهرم مالی تأثیری بر طرح‌ریزی مالیات ندارد. همچنین، بدلیل وجود رابطه معکوس میان اندازه شرکت و نرخ موثر مالیات در مدل نرخ موثر مالیات تعهدی و عدم مشاهده رابطه معنادار میان این دو متغیر در مدل نرخ موثر مالیات نقدی، یافته‌های پژوهش درخصوص تاثیر اندازه شرکت بر طرح‌ریزی مالیات شفاف نیست.

### پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به یافته‌های پژوهش مبنی بر تاثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات شرکتی، پیشنهادهایی به شرح زیر داده می‌شود:

#### ۱. پیشنهاد کاربردی

حسابرسان و ممیزان مالیاتی به تاثیرگذاری ویژگی‌های حاکمیت شرکتی بر طرح‌ریزی مالیات شرکتی توجه نمایند.

#### ۲. پیشنهاد برای پژوهش‌های آینده

پژوهشگران در بکارگیری متغیرهای مدیریت مالیات و سنجش فرار مالیاتی شرکت‌ها، اثرات سازوکارهای حاکمیت شرکتی را در پژوهش‌های خود کنترل نمایند.

## منابع

- باباجانی، جعفر و عبدی، مجید. (۱۳۸۹). «رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها». پژوهش‌های حسابداری مالی، شماره ۵، صص ۶۵-۸۵.
- پورحیدری، امید و سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). «شناسایی و تبیین عوامل موثر بر مدیریت مالیات». دانش حسابداری، شماره ۱۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- رحیمیان، نظام‌الدین، رضایی، فرزین و میرعبداللهی، فرانک سادات. (۱۳۹۲). «ارتباط میان ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». راهبرد مدیریت مالی، شماره ۳، صص ۶۵-۸۸.
- ساعی، محمدجواد و ساری، محمدعلی. (۱۳۹۲). «بررسی محتوای اطلاعاتی و توان پیش بینی طبقه بندی تفکیکی یا تجمیعی مالیاتی بر درآمد پرداختی». دانش حسابداری، شماره ۱۳، صص ۱۲۹-۱۵۰.
- قائمی، محمد حسین و شهریاری و مهدی. (۱۳۸۸). «اصول راهبری شرکت‌ها و عملکرد مالی شرکت‌ها». پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۵۷، صص ۱۱۳-۱۲۸.
- نیکبخت، محمدرضا، سیدی، سیدعزیز و هاشم‌الحسینی، روزبه. (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر ویژگی‌های هیات مدیره بر عملکرد شرکت». پیشرفت‌های حسابداری، شماره ۵۸، صص ۲۵۱-۲۷۰.
- Desai, M., and Dharmapala, D. (2006). "Corporate tax avoidance and high-powered incentives". *Journal of Finance and Economics*, Vol. 79, No. 1, PP 45-179.
- Dyreng, S., Hanlon, M., and Maydew, E. (2008). "Long-run corporate tax avoidance". *The Accounting Review*, Vol. 83, No. 1, PP 61-82.
- Erickson, M., Hanlon, M., and Maydew, E. (2006). "Is there a link between executive equity holdings and accounting fraud". *Journal of Accounting Research*, Vol. 44, No. 1, PP 113-143.
- Graham, J., and Tucker, A. (2006). "Tax shelters and corporate debt policy". *Journal of Finance and Economics*, Vol. 81, No. 3, PP 563-594.
- Hermalin, B., and Weisbach, M. (1991). "The effects of board composition and direct incentives on firm performance". *Financial Management*, Vol. 20, No. 1, PP 101-112.
- Jensen, M. (1993). "The modern industrial revolution, exit, and the failure of internal control systems". *Journal of Finance*, Vol. 48, No.

3, PP 831–880.

- Johnson, J., Daily, C., and Ellstrand, A. (1996). “Boards of directors: a review and research agenda”. *Journal of Management*, Vol. 22, No. 3, 409–438.
- Lanis, R., and Richardson. G. (2011). “The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness”. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 30, No. 1, PP 50-70.
- Minnick, K. and Noga T.(2010).” Do corporate governance characteristics influence tax management?”. *Journal of Corporate Finance*, Vol. 16, No. 1, PP 703–718.
- Phillips, J. (2003). “Corporate tax planning effectiveness: the role of compensation-based incentives”. *The Accounting Review*, Vol. 78, No. 3, PP 847–874.
- Rego, S. O., and Wilson, R. (2012). “Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness”. *Journal of Accounting Research*, Vol. 50, No. 3, PP 775-810.
- Robinson, J. R., Xue, Y., and Zhang, M. H. (2012). “Tax planning and financial expertise in the audit committee”. *Working paper, University of Texas at Austin*.
- Sartori, Nicola. (2008). “Effects of strategic tax behaviors on corporate governance”. *University of Michigan*.
- Scholes, M., Wolfson, M., Erickson, M., Maydew, E., and Shevlin, T. (2009). *Taxes and Business Strategy: A Planning Approach*, Upper Saddle River, NJ: Pearson.